

کتابمقدّس مکشوف می‌سازد می‌توانیم بدانیم 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز داوری است!

پس از شنیدن این خبر که 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز داوری است، افراد زیادی در کلیساها بلافاصله به آیاتی از کتابمقدّس اشاره می‌کنند، آیاتی از قبیل:

آیه 36 از باب 24 انجیل متی: "اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتّی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس."

آنها پس از نقل این آیه می‌گویند: "می‌بینید، کتابمقدّس به ما می‌فرماید که هیچ کس نمی‌تواند بداند." حتی ممکن است بیافزایند: "حتی خود عیسی هم از زمان آن اطلاع ندارد؛ بنابراین، تاریخ 21 ماه می شما کاملاً اشتباه است." همانطور که اغلب شایع است، پس از بیان سریع این جمله و نادیده گرفتن اطلاعات موجود در مورد تاریخ انتهای جهان، این افراد به راه خودشان ادامه می‌دهند و خشنودند از اینکه این اتفاق هرگز رخ نخواهد داد. آنها فکر می‌کنند: "از تمام اینها گذشته، کتابمقدّس به ما می‌فرماید که نمی‌توانیم از زمان‌بندی انتها اطلاع داشته باشیم."

البته، مطمئناً ما قبول داریم که این آیه در کتابمقدّس وجود دارد. ولی، سوال این است: آیا بقیه آیات کتابمقدّس این ایده را تأیید می‌کند که ما نمی‌توانیم از زمان‌بندی انتهای جهان اطلاع داشته باشیم؟ یا اینکه، آیا اطلاعات بیشتری در کتابمقدّس وجود دارد که به قوم خدا اجازه می‌دهد از تاریخ انتهای جهان مطلع شوند؟

اولاً، بایستی سریعاً متذکر شویم که عیسی مسیح خدای قادر مطلق است. و از آنجایی که عیسی خدای قادر مطلق است، بدون تردید او می‌داند انتهای جهان چه وقت خواهد بود.

آیه 1 از باب 24 کتاب ایوب می‌فرماید: "… زمانها از قادر مطلق مخفی نیست."

هدف این رساله این است که نشان بدهد بر طبق کتابمقدّس چون ما اکنون به آخرین روزهای تاریخ زمین رسیده‌ایم، برنامه خدا این است (و همیشه همین بوده است) که اطلاعاتی را در مورد انتهای جهان از کتابمقدّس مکشوف سازد، شامل زمان‌بندی دقیق آن. به عنوان مثال، در این متن کتابمقدّس این ایده را مشاهده می‌کنیم:

آیه 4از باب 12کتاب دانیال نبی می‌فرماید: "اما تو ای دانیال، کلام را مخفی دار، و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری بسرعت تردّد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید."

بر طبق این آیه، خدا کلام را مخفی داشت و کتاب (کتابمقدّس) را تا زمان آخر مهر کرد. چون اطلاعات کتابمقدّس مهر شده بود، هیچ کس نمی‌توانست از زمان‌بندی انتهای جهان مطلع شود. امّا دلالت قوی آیه 4 از باب 12 کتاب دانیال نبی این است که وقتی دوره زمانی آنها فرا برسد مهرها برداشته خواهد شد. علاوه بر این، وقتی انتهای زمان فرا برسد، "علم افزوده خواهد گردید." آیه 36 از باب 24 انجیل متی اعلام می‌کند که هیچ کس نمی‌داند "جز پدر من و بس." خدا همیشه از زمان‌بندی انتهای جهان اطلاع داشته است. از آنجایی که خود خدا مؤلف کتابمقدّس است، برای او اصلاً سخت نبود که این اطلاعات را در کتابمقدّس قرار داده و مخفی کند؛ در جایی که این اطلاعات تا فرا رسیدن زمان مقتضی در تاریخ مستور باقی می‌ماند. چون ما اکنون به انتهای جهان رسیده‌ایم، خدا در این زمان این چیزها را به قوم خود مکشوف می‌سازد.

چرا کلیساها درک نخواهند کرد

اگر با شبان خود در این مورد صحبت کنید که تاریخ 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز داوری است، تقریباً با قطعیت می‌توان گفت که او با این واقعیت مخالفت خواهد کرد. شگفت آور است که کلیساها چقدر یک صدا اعلام می‌کنند "هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند." با این وجود، هیچ یک از کلیساها نباید بخاطر موضع واحدی که دارند از تسلی خاطر برخوردار باشند، چون بدون تردید، کلیساهای زمان معاصر ما تا حد زیادی از حقیقت فاصله گرفته‌اند. کلیساهای دنیا با یکدیگر مخالفند و تعالیم آنها در مورد بسیاری از نکات تعلیمی کتابمقدّس با یکدیگر تناقض دارد (که یعنی نتایج آنها حتماً اشتباهاتی دارد). بنابراین، کلیساها نباید از تسلی خاصی برخوردار باشند که بالاخره در مورد این نکته به اجماع رسیده‌اند که "هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند." برعکس، این مسئله باید نگران کننده باشد، مخصوصاً در حالی که می‌فهمیم در زمان ما کلیساها بخاطر بی‌ایمانی خود در معرض داوری خدا قرار دارند:

آیه 17 از باب 4 رساله اول پطرس رسول می‌فرماید: "زیرا این زمان است که داوری از خانه خدا شروع شود…"

حقیقت دهشتناک این است که خداوند خود کلیساهای دنیا را ترک کرده است. کتابمقدّس به ما تعلیم می‌دهد که عصر کلیسا به پایان رسیده است (عصر کلیسا در سال 1988 میلادی به پایان رسید). خداوند کلیساها را در ظلمت روحانی رها کرده است. کلیساها نمی‌توانند این حقیقت ترسناک را مشاهده کنند که ما اکنون در انتهای جهان هستیم. خداوند در کتاب اشعیا نبی رهبران روحانی کلیساها را به وضوح توصیف می‌کند:

آیات 10 و 11 از باب 56 کتاب اشعیا نبی می‌فرماید: "دیده‌بانان او کورند، جمیع ایشان معرفت ندارند و همگی ایشان سگان گنگ‌اند که نمی‌توانند بانگ کنند… ایشان شبانند که نمی‌توانند بفهمند…"

خود خدا اعلام می‌کند که بسیاری از افرادی که اعتراف می‌کنند قوم او هستند هشدار نشانه‌های انتهای قریب الوقوع را مشاهده نخواهند کرد. خداوند از اسرائیل/یهودای عهد عتیق به عنوان نمونه‌ها و نمادهای کلیساها و جماعات عهد جدید استفاده می‌کند.

کتابمقدّس اشاره می‌کند که خدا از دست یهودای عهد عتیق خشمگین بود و از قیل به آنها هشدار داد که قصد دارد آنها را داوری کند، امّا یهودا به این هشدارها توجه نکرده و آنها را نادیده گرفتند، تا اینکه نابود شدند - تا حد زیادی شبیه کاری که کلیساها در زمان حاضر انجام می‌دهند:

آیه 7 از باب 8کتاب ارمیا نبی می‌فرماید: "لقلق نیز در هوا موسم خود را می‌داند و فاخته و پرستوک و کلنگ زمان آمدن خود را نگاه می‌دارند لیکن قوم من احکام خداوند را نمی‌دانند."

اکنون در انتها، کلیساهای عهد جدید همان اشتباهاتی را تکرار می‌کنند که اسرائیل عهد عتیق مرتکب شدند. آنها هشدارهای خدا (از کتابمقدّس) را نادیده می‌گیرند، دقیقاً همانطور که اسرائیل هشدارهای خدا از طریق انبیائی که خداوند نزد آنها فرستاد را نادیده گرفتند.

خدا همیشه از قیل به قوم خود هشدار می‌دهد

اکنون زمان آن رسیده است که ما به سایر اطلاعات موجود در کتابمقدّس توجه کنیم؛ اطلاعاتی که کلیسا یا شبان شما احتمالاً دوست ندارند به آن توجه کنید؛ امّا برای آنکه ثابت کنیم ما می‌توانیم زمان‌بندی آنها را بدانیم، باید ابتدا ببینیم بقیه کتابمقدّس در این مورد چه حرفی برای گفتن دارد. به عنوان مثال، خدا در باب 3 کتاب عاموس نبی این جمله را بیان می‌کند:

آیه 7 از باب 3 کتاب عاموس نبی می‌فرماید: "زیرا خداوند بیهو کاری نمی‌کند جز اینکه سر خویش را به بندگان خود انبیا مکشوف می‌سازد."

-3-

به معنای روحانی، نبی هر کسی است که کلام خدا را اعلام می‌کند. بنابراین، فرد ایماندار نقش یک نبی را ایفا می‌کند، در حالی که انجیل را با سایرین در میان می‌گذاریم. خداوند در آیه 7 از باب 3 کتاب عاموس نبی به ما می‌فرماید که او اطلاعات را به قوم خود مکشوف می‌سازد. او می‌فرماید که "کاری نمی‌کند" جز اینکه ابتدا "سر خویش را به بندگان خود" مکشوف می‌سازد. در حالی که کتابمقدّس را بررسی می‌کنیم، در حقیقت بارها و بارها با این حقیقت مهم مواجه می‌شویم. بگذارید به طوفان آیام نوح نگاهی ببیندازیم:

آیات 3، 5، و 7 از باب 6کتاب پیدایش می‌فرماید: "و خداوند گفت … ایام وی صد و بیست سال خواهد بود … و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیال های دل وی دانماً محض شرارت است … و خداوند گفت انسان را … محو سازم …"

در این روایت، پی می‌بریم که خدا پیش از آنکه مردم دنیا را نابود کند 120 سال به آنها فرصت داد. این زمان لازم بود، در حالی که خداوند نوح را انتخاب کرد تا کشتی را بسازد و وظیفه هشدار دادن به مردم دنیا در طول آن 120 سال را به انجام برساند. کتابمقدّس نوح را به عنوان "واعظ عدالت" معرفی می‌کند (آیه 5 از باب 2 رساله نوّم پطرس رسول). کار وی در ساختن کشتی در طی آن همه سالیان دراز مطمئناً نادیده باقی نمی‌ماند. ساخت کشتی شهادت عظیمی از ایمان به خدا بود، و وجود و ساخت کشتی نشانه محکومیت مستمر خود دنیا نیز بود:

آیه 7 از باب 11 رساله به عبرانیان می‌فرماید: "به ایمان، نوح چون دربار امروری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خداترس شده، کشتی ای بجهت اهل خانه خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث … عدالت … گردید."

در این سال صد و بیستم (سال 4990 ق.م.) بود که خداوند یک بار دیگر اطلاعات بیشتری را در مورد زمان‌بندی وقوع طوفان در اختیار نوح قرار داد. فقط با این تفاوت که این بار خدا اطلاعات بسیار مشخصی را ارائه کرد.

باورنکردنی است که پیش از وقوع طوفان، خدا سال، ماه، و روز دقیق وقوع طوفان قریب الوقوع را به نوح اعلام کرد:

آیات 1، 4، 10 و 11 از باب 7کتاب پیدایش می‌فرماید: "و خداوند به نوح گفت … زیرا که من بعد از هفت روز دیگر چهل روز و چهل شب باران می‌باراتم … و واقع شد بعد از هفت روز که آب طوفان بر زمین آمد. و در سال ششصد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم…"

اتفاقی نیست که در زمان ما قوم خدا می‌دانند که انتها در سال 2011 میلادی واقع خواهد شد (دقیقاً 7000 سال پس از طوفان)، در ماه می، و در روز بیست و یکم. این دقیقاً مشابه چیزی است که خداوند به نوح فرموده بود. همچنین، به یاد داشته باشید که 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز هفدهم از ماه دوّم سالنامه عبری است، معادل تاریخی که طوفان آغاز شد و زمانی که خداوند نوح و خانواده‌اش را وارد کشتی کرده و در را بست. همچنین، باید به یاد داشته باشیم که عیسی به طوفان به عنوان نمونه‌ای از آمدن خود اشاره می‌کند:

آیات 38 و 39 از باب 24 انجیل متی می‌فرماید: "زیرا همچنان که در ایام قیل از طوفان می‌خورند و می‌آشامینند و نکاح می‌کنند و منگوحه می‌شدند تا روزی که نوح داخل کشتی گشت، و نفهمیدند تا طوفان آمده، همه را ببرد، همچنین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود."

آمدن مسیح مانند اتفاقی خواهد بود که در زمان نوح رخ داد. سوالی که هر کسی که حقیقتاً در پی حقیقت است اکنون بایستی بپرسد این است که: آیا پیش از فرا رسیدن طوفان، هیچ کس چیزی در مورد طوفان قریب الوقوع می‌دانست؟ یا، آیا هیچ کس از روز یا زمان‌بندی وقوع طوفان اطلاع نداشت؟ پاسخ کتابمقدّس این است: بله، قوم خدا می‌دانستند. نوح می‌دانست. همسر نوح می‌دانست. سه پسر نوح و همسران آنها می‌دانستند. مردم دنیا که در پیرامون آنها بودند نیز اطلاع داشتند، چون

-4-

نوح واعظ بود. با این وجود، بدون تردید، آنها نوح را دیوانه فرض کرده و توجّهی به او نکردند. در نتیجه، آنها همگی در طوفان هلاک شدند. یکی از نکات کلیدی کتابمقدّس این است که تعداد زیادی از مردم این هشداری را که خدا منتشر می‌کند می‌شنوند، امّا تنها قوم برگزیده وی نسبت به آن عکس‌العمل نشان داده و اقدام می‌کنند. بنابراین، در مورد این واقعیت دهشتناک که افراد بسیار زیادی در اثر طوفان آیام نوح مردند، مهم است که به این آیه توجه کنیم:

آیه 5 از باب 2 رساله دوّم پطرس رسول می‌فرماید: "و بر عالم قدیم شفقت نفرمود بلکه نوح، واعظ عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظ داشته، طوفان را بر عالم بی‌دینان آورد؛"

خداوند تأکید می‌کند که طوفان آیام نوح تمام افرادی را که "بی‌دین" بودند نابود کرد.

این واقعیت بی‌نهایت مهمی است. کل افراد قوم (نجات‌یافته) خدا از طوفان مطلع شدند و از مرگ نجات یافتند. تک تک عادلان می‌دانستند که طوفان در راه است و توانستند، به همراه نوح، سوار کشتی شوند. می‌توانیم مطمئن باتنیم که خدا به بقیه مردم دنیای زمان نوح نیز هشدار داد، امّا آنها چیزهایی را که نوح به آنها اعلام می‌کرد باور نکردند. به بیان دیگر، اصل کتابمقدّسی مذکور در آیه 7 از باب 3 کتاب عاموس نبی را مشاهده می‌کنیم. خداوند از قیل به قوم خویش هشدار داد. بقیه مردم شنیدند، امّا نهایتاً هشدارهای خدا را نادیده گرفتند. در نتیجه، غافلگیر شده و هلاک شدند. به همین علت است که کتابمقدّس می‌فرماید مسیح چون "دزد در شب" خواهد آمد.

این واقعیت که خدا پیشاپیش به نوح و خانواده‌اش هشدار داد، به خودی خود، باید باعث شود که مکث کنیم و بفهمیم که خداوند به همین ترتیب پیش از فرا رسیدن روز داوری، زمان‌بندی انتها را مکشوف خواهد ساخت. با این وجود، کارهای خدا در تاریخ کتابمقدّسی چیزهای بسیار بیشتری برای ما دارد که آنها را لحاظ کنیم.

بگذارید به نابودی سدّوم و غمّورهٔ نگاهیی ببیندازیم. خداوند پیش از آنکه شهرهای سدّوم و غمّوره را نابود کند با ابراهیم ملاقات کرد و برنامه داوریش بر آن شهرها را مکشوف ساخت. مهم است که می‌خوانیم:

آیات 16 و 17 از باب 18کتاب پیدایش می‌فرماید: "… آن مردان … متوجه سدوم شدند … و خداوند گفت: "ایا آنچه من می‌کنم، از ابراهیم مخفی دارم؟"

خدا برنامه‌اش برای نابودی سدّوم را از ابراهیم مخفی نکرد. خداوند فکر کرد خوب است که این اطلاعات را با بنده‌اش در میان بگذارد. ابراهیم، وقتی مطلع شد، شروع کرد و برای عادلانی که در شهر بودند شفاعت (دعا) کرد. برادرزاده ابراهیم، یعنی لوط، در سدّوم زندگی می‌کرد. کتابمقدّس به ما می‌فرماید که لوط فرد عادلی بود (یعنی، خدا او را نجات داده و از طریق مسیح عادل ساخته بود – آیات 7 و 8 از باب 2 رساله دوّم پطرس رسول را مطالعه کنید).

خدا نمی‌توانست عادلان را با شریران نابود کند. در نتیجه، خدا بایستی اقدامی انجام می‌داد. خدا در مورد داوری قریب الوقوع به لوط هشدار داد:

آیات 12 و 13 از باب 19 کتاب پیدایش می‌فرماید: "و آن دو مرد به لوط گفتند: "ایا کسی دیگر در اینجا داری؟ دامادان و پسران و دختران خود … از این مکان بیرون آور، زیرا که ما این مکان را هلاک خواهیم ساخت … خداوند ما را فرستاده است تا آن را هلاک کنیم."

لوط و چند نفر از اعضای خانواده اش از نابودی سدّوم و غمّوره فرار کردند فقط به این علت که خود خداوند از قیل به وی هشدار داد، اطلاعاتی که لوط سعی کرد با دامادهای خود در میان بگذارد، امّا آنها حرف او را جدی نگرفتند (آیه 14 از باب 19 کتاب پیدایش). همچنین بایستی توجه کنیم که عیسی می‌فرماید آمدن او مانند اتفاقی خواهد بود که در زمان لوط رخ داد:

آیات 28تا 30 از باب 17 انجیل لوقا می‌فرماید: "و همچنان که در آیام لوط شد که به خوردن و آشامیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت مشغول می‌بودند، تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت. بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود."

حقیقت این است که در زمان لوط، خدا از قیل در مورد داوری وحشتناک بر سدوم به قوم لوط هشدار داد. همچنین، سایر افرادی که به آنها هشدار داده شد، نسبت به اطلاعاتی که از قیل به آنها داده شده بود عکس‌العملی نشان ندادند. این واقعیت تاریخی که خدا از قیل به ابراهیم و لوط هشدار داد یک بار دیگر نشان می‌دهد که خداوند به همین ترتیب زمان‌بندی آنها را پیش از فرا رسیدن روز داوری مکتشف خواهد ساخت، ولی، هنوز آیات بیشتری در کتابمقدس وجود دارد که بایستی آنها را لحاظ کنیم.

دزد در شب

بسیاری از مسیحیان شهادت‌دهنده به اشتباه فکر می‌کنند که عیسی "چون دزد" خواهد آمد تا آنها را برکت دهد و سپس عطای حیات جاودانی را به آنها عطا کند. اما مردم از کجا به این ایده می‌رسند که دزد می‌آید تا برکت بیاورد؟ کتابمقدس دقیقاً به ما می‌فرماید که دزد برای انجام چه کاری می‌آید:

آیه 10 از باب 10 انجیل یوحنا می‌فرماید: "دزد نمی‌آید مگر آنکه بزدلد و بکشد و هلاک کند..."

عیسی برای قوم برگزیده خود (که نوح، ابراهیم، لوط و سایرین نماد آنها هستند) به صورت غیرمنتظره، چون دزد، نمی‌آید، بلکه برای تمام نجات‌نیافتگان دنیا چون دزد می‌آید:

آیات 2 و 3 از باب 5 رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان می‌فرماید: "زیرا خود شما به تحقیق آگاهید که روز خداوند چون نزد در شب می‌آید. زیرا هنگامی که می‌گویند سلامتی و امان است، آنگاه هلاکت، ایشان را ناگاه فرو خواهد گرفت، چون درد زه زن حامله را و هرگز دستگار نخواهند شد."

از آنجایی که خداوند نزول "هلاکت ناگهانی" بر آنها را توصیف می‌کند و اعلام می‌کند که "هرگز دستگار نخواهند شد،" خلیلی واضح است که "بی‌دینان" مد نظر هستند. برای آنها است که مسیح "چون دزد" می‌آید تا بکشد و هلاک کند. اما به ایه بعد توجه کنید:

آیه 4 از باب 5 رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان می‌فرماید: "لیکن شما ای برادران، در ظلمت نیستید تا آن روز چون نزد بر شما آید..."

به وضوح مشاهده می‌کنیم که قوم خداغافلگیر نخواهند شد. چطور ممکن است آنها غافلگیر شوند، با توجه به اینکه خداوند کاری نمی‌کند مگر آنکه ابتدا به قوم خود هشدار دهد؟ خدا به نوح هشدار داد. خدا به ابراهیم هشدار داد. خدا به لوط هشدار داد. چطور ممکن است کسی فکر کند که خدا در این نمونه‌های کوچکتر روز داوری به قوم خود هشدار داد، ولی از الگوی خودش پیروی نخواهد کرد و به دنیایی که در حدود 7 میلیارد نفر جمعیت دارد و در زمان روز داوری حقیقی زندگی می‌کنند هشدار نخواهد داد؟ علاوه بر این، پی می‌بریم که عیسی به همه فرمان داد "بیدار" باشند زیرا آنها نمی‌دانستند در چه ساعت ممکن است او بیاید. مسیح فقط برای افرادی که بیدار نیستند چون دزد می‌آید:

آیه 3 از مکاشفه 3 می‌فرماید: "... زیرا هرگاه بیدار نباشی، مانند نزد بر تو خواهد آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد."

یعنی، مسیح در کتابمقدس به ایمانداران راستین فرمان داد همچنان بیدار (مراقب) باشند. قوم وی بایستی به مطالعه کلام خدا ادامه می‌دادند. علتش این است که او در زمان مقتضی چشمان ما را باز می‌کرد تا کلماتی را که مختم شده بود درک کنیم. از آنجایی که تمام کسانی که همچنان بیدار بودند این چیزها را درک می‌کردند، مسیح برای آنها

"چون دزد در شب" نمی‌آمد. عیسی فقط برای افرادی "چون دزد" می‌آید که اصرار دارند ما نمی‌توانیم از زمان آمدن مسیح مطلع شویم. کلیساها با اصرار به اینکه امکان ندارد بتوان از زمان مطلع شد، نشان می‌دهند که در ظلمت هستند و اصلاً قصد ندارند بیدار باشند. اینکه کسی سرسختانه اصرار کند ما نمی‌توانیم از زمان‌بندی آنها مطلع شویم مسئله‌ای بی نهایت جدی است. علتش این است که وقتی عیسی بر آنها بیاید، "چون دزد" خواهد بود و آنها ناگهان هلاک شده و از داوری ترسناک خدا فرار نخواهند کرد. اینها همه بسیار ناراحت کننده است؛ با این وجود، خداوند از طریق مثال کتابمقدسی مردم نینوا به تک تک ما دلگرمی عظیمی می‌دهد. مردم نینوا نیز هشدار خدا در مورد یک داوری قریب الوقوع را شنیدند.

ماجرای مردم نینوا

خدا یونس نبی را به نینوا فرستاد تا پیامی باورنکردنی را برساند که فقط یک جمله بود:

آیه 4 از باب 3 کتاب یونس نبی می‌فرماید: "یونس ... به ندا کردن شروع نمود و گفت: "بعد از چهل روز، نینوا سرنگون خواهد شد..."

این پیام تنها چند کلمه بود! این کل پیامی بود که خدا به یونس فرمان داد به ساکنان نینوا برساند. پیامی که اساساً از دو جزء تشکیل شده بود: **زمان (40 روز)** و **داوری (سرنگون)**. مطمئناً، این روایت تاریخی واقعی که خداوند یونس را فرستاد تا به مردم نینوا هشدار بدهد، یک بار دیگر بر الگوی خدا در کتابمقدس تأکید می‌کند؛ یعنی الگوی هشدار دادن به مردم پیش از آنکه غضبش را بر آنها نازل کند. چیزی که در آیه بعد به آن پی می‌بریم کاملاً شگفت انگیز است:

آیه 5 از باب 3 کتاب یونس نبی می‌فرماید: "و مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند..."

از منظر انسان به این مسئله نگاه کنید. مردم نینوا اهل آشور بودند. یونس آشوری نبود. طبیعتاً او به زبان آنها سخن نمی‌گفت. نه تنها او اهل قوم دیگری بود، بلکه این قوم دشمن آنها بود. ناگهان این فرد عجیب ظاهر شد و گفت: "بعد از چهل روز، نینوا سرنگون خواهد شد."

آیا می‌توانید به هیچ پاسخ دیگری فکر کنید که ممکن بود مردم نینوا بجای این پاسخ ارائه کنند، پاسخ‌هایی مثل استهزاء، یا خنده، یا ناباوری محض؟ در دنیای امروزی ما، ممکن است فکر کنیم: "فقط یک احمق ساده لوح چنین پیامی را باور می‌کند!" بله، ما در این زمان می‌توانیم به دلایل زیادی فکر کنیم که چرا انسان نباید چیزی تا این حد مسخره را باور می‌کرد، اما مردم نینوا باور کردند. چه چیز ممکن بود مردم نینوا را متقاعد کند که این خبر دشتناک حقیقت دارد و واقعاً از طرف خدا است؟ مطمئناً، میزان مدارک دلیل امر نبود. یونس با دائرةالمعارفی از بررسی های انجام گرفته بر روی تعالیم کتابمقدس نیامد و چنین چیزی را بر در دروازه شهر نینوا قرار نداد. نه! او فقط یک جمله گفت - ظریف ترین مدرک - ولی، آنها باور کردند:

آیه 41 از باب 12 انجیل متی می‌فرماید: "مردمان نینوا در روز داوری با این طایفه برخواسته، بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موضله یونس توبیه کردند..."

شما اکنون در این مورد شنیده اید که 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز داوری است. شاید چیزهای زیادی در مورد شواهد کتابمقدسی شنیده باشید؛ ولی، با این وجود، حرف خدا را باور نمی‌کنید. آیا به شواهد هر چه بیشتری نیاز دارید؟ مردم نینوا مثل ما از این مزیت برخوردار نبودند که این همه اطلاعات در اختیار داشته باشند. آنها فقط یک ایه کوچک از کتابمقدس را داشتند که به وسیله آن به راه خود ادامه بدهند. ما در این زمان می‌توانیم اطلاعات زیادی را به مردم ارائه کنیم که درست از کتابمقدس می‌آید. *(برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد فرا رسیدن روز داوری در تاریخ 21 ماه می در سال 2011 میلادی، شراکت الکترونیکی کتابمقدس (EBF)، با وجود عدم وابستگی به رادیو فامیلی، کتاب "تقریباً رسیده‌ایم (We Are Almost*

(There)" را به شما پیشنهاد می‌کند؛ کتابی که رادیو فامیلی آن را به صورت رایگان در اختیار شما قرار می‌دهد! لطفاً با این آدرس مکاتبه کنید: Family Radio, Oakland, CA 94621 USA و یا به این آدرس اینترنتی مراجعه کنید: www.familyradio.com). با این وجود، حجم زیاد اطلاعات هرگز کسی را متقاعد نخواهد ساخت.

عیسی به این مسئله اشاره کرد، زمانی که فرمود:

آیه 47 از باب 8 انجیل یوحنا می‌فرماید: "کسی که از خدا است، کلام خدا را می‌شنود و از این شما نمی‌شنوید که از خدا نیستید..."

لطفاً وقت کنید که مردم نینوا چقدر جدی حرف خدا را باور کردند و فوراً نسبت به آن عکس‌العمل نشان دادند:

آیات 6 تا 8 از باب 3 کتاب یونس نبی می‌فرماید: "و چون پادشاه نینوا از این امر اطلاع یافت، از کرسی خود برخاسته، ردای خود را از بر کند و پلاس پوشیده، و نزد خاکستر نشست... گفتند ... "مردمان و بهایم به پلاس پوشیده شوند و نزد خدا به شدت استغاثه نمایند و هر کس از راه بد خود ... بازگشت نماید..."

تشخیص وقت و داوری (قانون)

در حین بررسی تاریخ کتابمقدسی، مشاهده کرده‌ایم که خداوند چطور پیش از آنکه داوری حقیقتاً واقع شود، مکرراً به قوم خود در مورد زمان‌های قریب‌الوقوع داوری هشدار داده است. این مسئله بقدری در طول تاریخ کتابمقدسی منسجم است که می‌توان گفت یک اصل کتابمقدسی است، همانطور که آیه 7 از باب 3 کتاب عاموس نبی می‌فرماید: *"خداوند یهوه کاری نمی‌کند جز اینکه سر خویش را به بندگان خود ... مکشوف می‌سازد..."*

در کتابمقدس، خداوند انسانها را به دو گروه تقسیم می‌کند. او به افرادی که آنها را نجات می‌دهد به عنوان "حکیمان" و به افرادی که آنها را نجات نمی‌دهد به عنوان "ابلیهان" اشاره می‌کند. او آنها را به عنوان "عدالان" یا "شریران" نیز توصیف می‌کند. تمایز میان این دو دسته به هوش یا حکمت انسانی یا شایستگی انسانی هیچ ربطی ندارد. به بیان ساده، فرد حکیم است (و عادل اعلام می‌شود)، اگر خدا وی را نجات داده و روح مسیح را به وی عطا کرده باشد. افرادی که نجات نیافته‌اند ابله یا شریر هستند چون آنها از روح مسیح (حکمت) برخوردار نیستند. اگر تعریف کتابمقدس از حکمت را به خاطر داشته باشیم، این مسئله در درک آیات زیر کمک زیادی به ما خواهد کرد:

آیات 9 و 10 از باب 12 کتاب دانیال نبی می‌فرماید: "...ای دانیال برو زیرا این کلام تا زمان آخر مخفی و مختم شده است...هیچ کدام از شریران نخواهند فهمید، لیکن حکیمان خواهند فهمید..."

کاملاً با قطعیت می‌توان گفت که خداوند قصد داشت کلام خود (کتابمقدس) را تا زمان آنها مختم کند. اما سپس دقت کنید، خدا اشاره می‌کند که چطور "هیچ کدام از شریران" نخواهند فهمید. چه چیزی را خواهند فهمید؟ خب، او به درک کلام خدا اشاره می‌کند که در زمان آنها مهر آن برداشته خواهد شد. هیچ تک از نجات‌نیافتگان دنیا این چیزها را درک نخواهند کرد، درست همانطور که مردم دنیای زمان نوح به هشدار وقوع طوفان توجه نکردند و درست همانطور که داماد‌های لوط هشدارى را که به آنها داده شد تا از شهر فرار کنند نادیده گرفتند. به همین ترتیب، در این زمان نیز هیچ کدام از نجات‌نیافتگان نخواهند فهمید؛ لیکن "حکیمان" خواهند فهمید. "حکیمان" فقط بخاطر رحمت عظیم خدا می‌فهمند. خداوند یک بار دیگر این حقیقت را در این آیات فوق‌العاده بیان می‌کند:

آیه 5 از باب 8 کتاب جامعه می‌فرماید: "... و دل مرد حکیم وقت و قانون را می‌داند..."

آیه 5 از باب 28 کتاب امثال سلیمان نبی می‌فرماید: "مردان شریر انصاف را درک نمی‌نمایند، اما طالبان خداوند همه چیز را می‌فهمند..."

نهایتاً، اینکه آیا ما می‌دانیم 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز داوری است یا خیر به این مسئله بستگی دارد که آیا خدا چشمان ما را به روی درک این چیزها باز کرده است یا خیر. اگر او چشمان ما را باز کرده باشد، خواهیم فهمید که 21 ماه می در سال 2011 میلادی روز غضب خداوند است. اگر او چشمان ما را باز نکرده باشد، در آن صورت خواهیم فهمید. کتابمقدس به ما می‌فرماید که اکثر مردم دنیا برای نجات برگزیده نشده‌اند. به همین علت است که مسیح برای میلیون‌ها نفر به صورت غیرمنتظره خواهد آمد. آنها چیزهای روحانی را درک نمی‌کنند. از آنجایی که آنها روح خدا را ندارند، به هشدار توجهی نکرده و درک نخواهند کرد. متأسفانه، آنها مطمئناً هلاک خواهند شد:

آیات 4 و 5 از باب 33 کتاب حزقیال نبی می‌فرماید: "و اگر کسی صدای کرنا را شنیده، متنبیه نشود، آنگاه شمشیر آمده، او را گرفتار خواهد ساخت و خویش برگرنش خواهد بود..."

قوم خدا می‌دانند (مانند مردم نینوا) که این تاریخ‌ها درست و قابل اعتماد هستند، فقط به این خاطر که این اطلاعات درست از کتابمقدس می‌آید.

بسیاری از مردم به کلیساهای خود، یا به شبانان خود اعتماد خواهند کرد؛ به افرادی که مطمئناً خواهند گفت نیازی نیست آنها نگران یک تاریخ باشند. اما هیچ یک از این چیزها قابل اعتماد نیست. حقیقت این است که تنها چیز قابل اعتماد در دنیا کتابمقدس است. به همین علت در حالی که هرچه بیشتر به این تاریخ 21 ماه می در سال 2011 میلادی نزدیک می‌شویم، سوال بزرگی که پیش روی هر کسی قرار می‌گیرد این است که: "آیا به کتابمقدس اعتماد دارید یا به چیز دیگری؟"

آیه 5 از باب 3 کتاب امثال سلیمان نبی می‌فرماید: "به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن..."

آیه 42 از مزمور 119 می‌فرماید: "... بر کلام تو توکل دارم..."

از پایگاه اینترنتی ما به این آدرس دیدن فرمایید:

www.ebiblefellowship.com

آدرس پست الکترونیکی: **ebiblefellowship@juno.com**

برای تماس با شراکت الکترونیکی کتابمقدس (Electronic Bible

Fellowship) با این تلفن رایگان تماس بگیرید: 1-877-897-6222 (فقط ایالات متحده آمریکا).

همچنین، با این آدرس پستی مکاتبه کنید: **EBible Fellowship,**

P.O. Box 1393 Sharon Hill, PA 19079 USA

آیات 30 و 31 از باب 17 کتاب اعمال رسولان می‌فرماید: "پس خدا از زمان‌های جهالت چشم پوشیده، الان تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبیه کنند. زیرا روزی را مقرر فرموده که در آن ربع مسکون را به انصاف داور خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود..."